

Jurisprudential-Legal Analysis of Article 57 of the Bill on Preservation of Dignity and Protection of Women Against Violence (Identification of Instances of Necessity for Leaving the Country without Husband's Permission)

Hossein Karati, Mehdi Meghdadi, Mohammad Hadi Meghdadi

1. Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Shahid Beheshti Campus, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding

Author) hoossein.karati@cfu.ac.ir

2. Researcher, Center for Jurisprudence of the Imams (Peace be upon them), Qom, Iran mehdimeghdadi69@gmail.com

3. Researcher, Center for Jurisprudence of the Imams (Peace be upon them), Qom, Iran mh.meghdadi1383@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:

Research Article

Article history:

Received 2025/04/15

Accepted 2025/07/06

Keywords:

Husband's Permission (Idhn-i Shawhar), Woman Leaving, Spouse's Sexual Enjoyment (Is-timtā'), Husband's Authority.

Article 57 of the bill «Preservation of Dignity and Protection of Women Against Violence» attempts to facilitate grounds for women to leave the country without obtaining the husband's permission (Idhn-i Shawhar) by foreseeing exceptional cases. This article, with a jurisprudential-legal approach, has analyzed the legal and religious dimensions of this article and attempted to identify and analyze the instances of «necessity» (Darūrat) in leaving the country based on valid jurisprudential (Fiqhī) sources and library documents. The most important and closest jurisprudential evidence in this legal issue is the narrations regarding the wife leaving the husband's house, which this category of narrations is not citeable due to weakness in the chain of transmission or signification. On the other hand, two categories of evidence related to the rulings of the wife are possible to examine in this issue: 1. The man's right to sexual enjoyment (Haqq-i Istimtā') from the spouse; 2. Good companionship (Ḥusn-i Mu'āsharat) and good behavior towards the woman. Therefore, if the man does not have the ability to derive sexual enjoyment from the woman, citing good and worthy companionship with the woman, it is not correct for the woman to be imprisoned in the house and not go out. Thus, from the aspect of appropriate treatment of the spouse, it is necessary for the woman's rights to be fulfilled, and in the event of the impossibility of the man's sexual enjoyment and the establishment of necessity for the court, leaving the country is not dependent on the husband's permission. On this very basis, emergency cases such as medical treatment, administrative missions, or preservation of life, etc., have shown that legitimacy can be granted to the woman's independent right to leave the country without the need for the husband's permission in specific cases. The legal examination of this bill shows that Article 18 of the Passport Law approved in 1973 and Article 57 of the Bill on Protection of Women have both addressed the subject of women leaving the country. Article 18 makes the issuance of an exit passport for married women conditional upon the written agreement of the husband, except in emergency cases where the prosecutor can intervene. In contrast, Article 57, while maintaining the condition of the husband's permission, facilitates the possibility of the woman's direct recourse to the court in emergency cases or the husband's unjustified refusal; the court also issues permission to leave by examining the necessity and obtaining appropriate security. Consequently, the article emphasizes that a precise interpretation of «necessity» can preserve women's rights and simultaneously coordinate jurisprudential and legal frameworks with social realities.

Cite this article: Karati, Hossein et al (2025). The Jurisprudential–Legal Validity of the Clauses Contained in the Articles of Association and the Memorandum of Association of Commercial Companies, *Religion and Law*, 47 (13), 153-178.



©Hossein Karati et al.

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.322.1011>

Publisher: Islamic Research Center of Parliament of I.R.IRAN.



واکاوی فقهی- حقوقی ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت (شناسایی مصادیق ضرورت خروج از کشور بدون اذن شوهر)

حسین کرتی، مهدی مقدادی، محمدهادی مقدادی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی پردیس شهید بهشتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hoossein.karati@cfu.ac.ir

۲. پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران mehdimeghdadi69@gmail.com

۳. پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران mh.meghdadi1383@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۱۵

ماده ۵۷ لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» تلاش دارد با پیش‌بینی موارد استثنائی، زمینه‌ای برای خروج زنان از کشور بدون کسب اذن همسر فراهم سازد. این مقاله با رویکردی فقهی-حقوقی، به واکاوی ابعاد حقوقی و شرعی این ماده پرداخته و تلاش کرده است مصادیق «ضرورت» در خروج از کشور را بر اساس منابع معتبر فقهی و اسناد کتابخانه‌ای شناسایی و تحلیل کند. مهم‌ترین و نزدیک‌ترین دلیل فقهی در این مسئله حقوقی، روایات خروج زوجه از خانه زوج است که این دسته از روایات به دلیل ضعف در سند یا دلالت، قابلیت استناد ندارند. از سویی دیگر دو دسته دلیل که مرتبط با احکام زوجه است در این مسئله امکان بررسی دارد: ۱. حق کامجویی مرد از همسر ۲. حسن معاشرت و رفتار نیکو با زن. بنابراین اگر مرد توان کامجویی از زن را نداشته باشد با استناد به معاشرت خوب و شایسته با زن، صحیح نیست که زن در خانه حبس باشد و بیرون نرود. بنابراین از باب برخورد مناسب با همسر، لازم است تا حقوق زن ایفاء گردد و در صورت عدم امکان کامجویی مرد و احراز ضرورت برای دادگاه، خروج از کشور متوقف بر اذن شوهر نیست. بر همین اساس، موارد اضطراری مانند درمان پزشکی، مأموریت اداری، یا حفظ جان و... نشان داده است که می‌توان در موارد خاص به حق خروج مستقل زن از کشور بدون نیاز به اذن همسر مشروعیت بخشید. بررسی حقوقی این لایحه نشان می‌دهد که ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ و ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان، هر دو به موضوع خروج زنان از کشور پرداخته‌اند. ماده ۱۸، صدور گذرنامه خروج زنان متأهل را منوط به موافقت کتبی شوهر می‌داند، مگر در موارد اضطراری که دادستان می‌تواند مداخله کند. در مقابل، ماده ۵۷ ضمن حفظ شرط اجازه شوهر، امکان مراجعه مستقیم زن به دادگاه را در موارد اضطراری یا خودداری غیرموجه شوهر فراهم می‌سازد؛ دادگاه نیز با بررسی ضرورت و اخذ تأمین مناسب، اجازه خروج را صادر می‌کند. در نتیجه، مقاله تأکید می‌کند که تفسیر دقیق «ضرورت» می‌تواند حقوق زنان را حفظ کرده و همزمان چارچوب‌های فقهی و حقوقی را با واقعیت‌های اجتماعی هماهنگ کند.

واژگان کلیدی: اذن شوهر، خروج زن، کامجویی همسر، اختیارات زوج.

استناد: کرتی، حسین و همکاران (۱۴۰۴). واکاوی فقهی-حقوقی ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت (شناسایی مصادیق ضرورت خروج از کشور بدون اذن شوهر). دین و قانون، ۴۸ (۱۳)، ۱۷۸-۱۵۳.



© نویسنده: حسین کرتی و همکاران.

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران.

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.322.1011>

مقدمه

در ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان، چنین آمده است:

«زنانی که برای خروج از کشور به اذن همسرشان نیاز دارند، در صورت خودداری غیرموجه شوهر از اعطای اذن، می‌توانند ضمن تقدیم دادخواست، مدارک و مستندات خود را مبنی بر ضرورت خروج از کشور به دادگاه خانواده تسلیم نمایند. دادگاه، خارج از نوبت، نسبت به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورت احراز ضرورت امر، عنداللزوم پس از اخذ تأمین مناسب، اذن خروج از کشور را با ذکر مدت و دفعات سفر، صادر خواهد نمود».

ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان (تقدیم‌شده توسط هیئت دولت در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ به مجلس شورای اسلامی) مقرر می‌دارد: زنانی که برای خروج از کشور به اذن همسر نیاز دارند، در صورت خودداری غیرموجه شوهر از اعطای اذن، می‌توانند با تقدیم دادخواست و ارائه مدارک و مستندات مبنی بر ضرورت خروج از کشور به دادگاه خانواده مراجعه کنند. دادگاه خارج از نوبت رسیدگی کرده و در صورت احراز ضرورت، با اخذ تأمین مناسب، اذن خروج را با ذکر مدت و دفعات سفر صادر می‌کند. این لایحه با نگرشی حمایتی، سه قید مهم را برای خروج بدون اذن شوهر مشخص کرده است: ۱. خودداری غیرموجه شوهر از اعطای اذن، ۲. ارائه مدارک و مستندات ضرورت خروج، ۳. احراز ضرورت توسط دادگاه و اخذ تأمین مناسب.

در آثار فقهی و مقالات، مسئله خروج زن عمدتاً در مورد خروج از خانه شوهر بررسی شده و خروج از کشور، که تبعات خاصی مانند عدم امکان بازگشت به دلیل لغو پرواز، محدودیت‌های کرونایی یا تحریم‌ها دارد، به صورت جامع مورد توجه قرار نگرفته است. تنها در بحث حج، به خروج بدون اذن شوهر اشاره شده که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد. این پژوهش از آن رو ضروری به نظر می‌رسد که تاکنون بررسی جامع و فقهی و حقوقی درباره خروج زن از کشور صورت نگرفته است و پژوهشگران تلاش می‌کنند تا مصادیق خروج زن از کشور، بدون اذن شوهر را بر اساس ماده ۱۸ قانون گذرنامه و با توجه به روایات موجود در مورد خروج زوجه از خانه زوج بدون اذن زوج تبیین کنند زیرا بیشتر منابع فقهی، صرفاً به موضوع خروج زن از منزل پرداخته‌اند و مسئله خروج از کشور، با توجه به پیامدهای خاصی مانند دشواری‌های بازگشت به دلیل مشکلاتی نظیر لغو پرواز، بیماری‌هایی مانند کرونا، یا تحریم‌ها، بررسی نشده است.

هرچند پیشینه‌ای صریح در فقه درباره خروج زن از کشور وجود ندارد، اما بهره‌گیری از منابع فقهی مرتبط با خروج زن از منزل با اذن شوهر، موجب خلط بحث نمی‌شود؛ زیرا لزوم اذن شوهر برای خروج زن از منزل، بر پایه دلایل فقهی و روایات استوار است و می‌توان از همین طریق، ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت زنان را به وسیله تنقیح مناط تحلیل کرد. همان‌طور

که فقها در مورد روایت مرد بادیه‌نشین (اعرابی) درباره روزه، حکم را به موارد مشابه در غیر اعرابی نیز تعمیم داده‌اند، در این مسئله نیز می‌توان با استناد به دلایل فقهی مربوط به لزوم اذن شوهر برای خروج زن از منزل، درباره لزوم یا عدم لزوم اذن شوهر برای خروج زن از کشور، استنباط فقهی ارائه داد.

در این مقاله، تلاش شده است تا با واکاوی فقهی ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان از طریق بررسی ادله، مبانی و اقوال فقها تا دایره شمول این ماده را از منظر فقهی توسعه یا تضییق نمایند. این پژوهش قصد دارد با تحلیل فقهی، چارچوبی برای اجرای این ماده قانونی ارائه دهد و به تبیین شرایط و حدود آن در پرتو فقه اسلامی بپردازد.

با بررسی ادله، مبانی و اقوال فقها، می‌توان دایره شمول ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان را از منظر فقهی توسعه یا تضییق کرد، به گونه‌ای که شرایط و حدود خروج زن از کشور بدون اذن شوهر با توجه به تبعات خاص این خروج (مانند مشکلات بازگشت) روشن‌تر شود.

در تدوین پیشینه این پژوهش، به مقالاتی استناد شده که به موضوع عدم اذن شوهر برای خروج زن از منزل پرداخته‌اند. انتخاب این آثار به‌عنوان پیشینه، از آن روست که این موارد، نزدیک‌ترین مصداق به مسئله خروج زن از کشور بدون اذن شوهر، چنان‌که در ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان مطرح شده، به شمار می‌روند. در حقیقت مبحث خروج زن از کشور نیز یکی از مصادیق خروج از منزل است که این ارتباط، بستری مناسب برای بررسی فقهی و حقوقی موضوع فراهم می‌آورد و پیوندی معنادار میان مباحث سنتی فقه و نیازهای نوین حقوقی برقرار می‌سازد. این مقالات علمی چاپ‌شده عبارتند از:

۱. زین العابدین نجفی، خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲، ص ۱۰۳-۱۲۳.
نگارنده مقاله به این نتیجه رسیده است که مشهور فقیهان امامیه در غیر انجام واجبات، قائل به ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر هستند. بسیاری از حقوق‌دانان به پیروی از قول مشهور، همین نظر را برگزیده‌اند. با بررسی اقوال و ادله مسئله از آیات و روایات، اثبات گردیده است که خروج متعارف زن از منزل بدون اذن شوهر با رعایت حق کامجویی شوهر جایز است.

۲. احمدی، سیدمهدی، سلیلی، سید علی، بررسی فقهی مسئله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۷، شماره ۲۲، ص ۱۱-۳۰.

در این مقاله، نگارندگان به این نتیجه دست یافتند که حق استمتاع شوهر بر اساس وجود برخی از روایات وجود دارد. حق استمتاع باید دوسویه باشد، آن هم به اندازه قابل قبول در نگاه عرف، نه بیشتر. در این مقاله که روایات موافقین و مخالفین مسئله خروج زن از منزل بدون

اذن شوهر نیز بیان شده است، خواهیم گفت: حق بهره‌برداری جنسی تنها برای مرد یا زن نیست؛ بلکه حقّی است دوطرفه، و آموزه‌های فقهی و اخلاقی اسلام نیز در این باره به‌گونه‌ای است که برای هر کدام از همسران، هماهنگ با نیازهای آنان، راهنمایی و سفارش ویژه‌ای دارد؛ بهره‌جویی هر یک از همسران نیز تنها در محدوده‌ای خواهد بود که شرع، عقل و عرف آن را بپسندد.

۳. علی دوست، ابوالقاسم، عشایری منفرد، محمد، بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده «لاضرر»، دوره مطالعات راهبردی زنان، چاپ ۱۳، ۵۱ (بهار ۱۳۹۰) - شماره پیاپی ۵۱، ص ۴۳-۷۳.

شریعت مبارک اسلام برای تعادل بخشی به نهاد مقدّس خانواده، حقوق و تکالیفی را بر عهده اعضای آن نهاده است. یکی از حقوقی که خداوند متعال برای مرد به رسمیت شناخته، این است که همسرش بدون اذن یا رضایت او از منزل خارج نشود. در روزگاری که شیوه‌های جدید، زندگی زن را از خانه به فضای جامعه (و در خانه به فضای مجازی) کشانده است، این مسئله با پرسش‌هایی مواجه شده است. این مقاله، ابتدا به بررسی جایگاه فقهی این موضوع اشاره می‌کند و سپس به ارتباط این حقّ مرد با عنوان ثانوی «ضرر و ضرار» می‌پردازد.

۴. ثمنی، لیلا؛ نعیمی، طاهره سادات، ضرورت موافقت زوج برای خروج زوجه از کشور، مطالعات حقوق خصوصی تابستان ۱۳۹۸، شماره ۲، ص ۲۳۹-۲۵۹.

نویسندگان در این مقاله، به بررسی چالش‌های حقوقی ماده ۱۸ و ۱۹ قانون گذرنامه در خصوص خروج زنان متأهل از کشور، تحلیل مبانی فقهی و قانونی آن و ارائه راهکارهای حقوقی برای رفع مشکلات و تعدیل محدودیت‌ها با توجه به اصول فقهی و نیازهای اجتماعی پرداخته‌اند؛ اما در مقاله پیش رو، پژوهشگران با تکیه بر ماده ۵۷ قانون و استناد به ادله فقهی و روایات، به بررسی دقیق مسئله لزوم یا عدم لزوم اذن شوهر برای خروج زنان متأهل از کشور پرداخته‌اند. این کاوش، با نگاهی عمیق به مبانی فقهی، در پی تبیین ظرایف و دقایق این موضوع و روشن ساختن ابعاد آن در چارچوب فقهی می‌باشد.

۵. بیرانوند، رضا؛ بیات، جعفر، تحلیل رویه قضایی پذیرش خروج از کشور زوجه در ضمن عقد نکاح رافع ممنوع‌الخروجی زوجه، پژوهش ملل، اردیبهشت ۱۴۰۲ - شماره ۸۷، ص ۵۱-۷۰.

پژوهش مذکور در پی تبیین این است که موافقت شوهر در قالب شروط ضمن عقد، به‌عنوان یک تعهد حقوقی، می‌تواند مانع اعمال حق ممنوع‌الخروجی توسط شوهر شده و به استقلال عمل زوجه در این زمینه کمک کند. اما نویسندگان در این پژوهش پیش‌رو، با استناد به ماده ۵۷ قانون و بهره‌مندی از ادله فقهی و احادیث، به بررسی عمیق لزوم یا عدم لزوم کسب اجازه از شوهر برای خروج زنان متأهل از کشور پرداخته‌اند.

همان‌گونه که در پیشینه این مقاله بیان شد، نسبت به مسئله خروج زن از کشور و بیان مصادیق و ادله آن و نیز خودداری شوهر از اذن بر اساس ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، مباحثی بیان نشده است. در این پژوهش، ابتدا اقوال و ادله خروج زن از منزل بیان شده و سپس با بیان ملاکات و مبانی اقوال به نقد و بررسی ادله موجود پرداخته می‌شود.

۱. اقوال و ادله فقها پیرامون عدم جواز خروج زن بدون اذن شوهر

ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان (مصوب ۱۳۹۹) به خروج زن از کشور بدون اذن شوهر پرداخته و شرایطی مانند خودداری غیرموجه شوهر، ارائه مدارک ضرورت، و احراز ضرورت توسط دادگاه را پیش‌بینی کرده است. اگرچه این ماده به طور خاص به خروج از کشور اشاره دارد، اما در فقدان آثار فقهی جامع درباره خروج از کشور (به جز در مورد حج واجب)، نزدیک‌ترین مبنای فقهی برای تحلیل آن، بحث خروج زن از منزل است که در آثار فقهی بررسی شده است. این پژوهش بر خروج زوجه از منزل، به عنوان نزدیک‌ترین مصداق فقهی به خروج از کشور، تمرکز دارد، چنان‌که در ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان مورد اشاره قرار گرفته است. این تأکید نه از سر خلط موضوع، بلکه به دلیل فقدان پیشینه فقهی صریح در مسئله خروج از کشور است. در حقیقت، لزوم اذن شوهر برای خروج زوجه از منزل، بر پایه ادله فقهی و روایات، این امکان را فراهم می‌آورد تا با کاوش در مبانی فقهی این حکم، ماده ۵۷ تحلیل گردد و از طریق تنقیح مناط، حکم لزوم یا عدم لزوم اذن شوهر برای خروج زوجه از کشور استنباط شود (مانند داستان اعرابی که خدمت حضرت رسول رسید در مورد حکم روزه‌اش از حضرت سؤال کرد و فقها بر اساس این حکم، تنقیح مناط کردند و موارد غیر اعرابی را به این حکم حضرت رسول تعمیم دادند (<https://B2n.ir/kx7497>)). از همین رو فقها عمدتاً به بررسی خروج از منزل پرداخته‌اند و خروج از کشور، به سبب تبعات ویژه‌ای همچون تحریم‌ها یا بیماری‌هایی نظیر کرونا، نیازمند استنباطی نوین و دقیق است.

در ادامه ادله فقها مبنی بر عدم جواز خروج زن بدون اذن شوهر بررسی می‌شود: با توجه به آیات و روایات وارده در مقام نسبت به مسئله خروج زن از منزل، به‌طور کلی، دو نظریه میان فقهای شیعه وجود دارد:

الف) دیدگاه مشهور فقها

مطابق نظر مشهور فقها، زن مطلقاً و در هیچ شرایطی حق خروج از منزل را بدون اذن و رضایت شوهر ندارد و خروج بدون اذن شوهر موجب نشوز زن می‌گردد. (حلی، محقق، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۸۰؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۰۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۸۳؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۵)

ب) دیدگاه غیر مشهور فقها

مقابل نظر مشهور فقها، نظر غیر مشهوری وجود دارد که قائل است: خروج زن بدون اذن شوهر در صورت تنافی با حق استمتاع وی ممنوع است. (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۹۱؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۳، ص ۱۷۶)

برخی محققان نیز با توجه به قواعد فقهی نفی عسر، با پیش فرض های موجود خود همچون فعلی و شخصی بودن حرج، قوامیت و سرپرستی مرد را در برخی موارد محدود می کنند. (موسوی، ملک افصلی اردکانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۵۵-۱۷۲) همچنین برخی دیگر با تمسک به قاعده معروف به این نتیجه رسیده اند که خروج زن از منزل نیازمند اذن شوهر است، اما وی باید با رعایت قاعده معروف و رعایت مصالح خانواده که فراتر از مصلحت فردی است، درباره استیذان زن تصمیم بگیرد (فردوسی، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۴۰۱-۱۴۲۲) و از اطلاق اختیار، اذن زوج را مضیق نماید.

برخی دیگر از فقها قائل به احتیاط واجب شده و فتوا نداده اند و از باب احتیاط واجب حکم به عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن داده اند. (تبریزی، ۱۴۲۷، ص ۳۰۲) بنابراین، لازم است که با توجه به شرایط زندگی و با نگاهی دیگر به ادله، بررسی شود تا مسئله ضرورت خروج زن از کشور و امتناع زوج از عدم اذن ملاحظه گردد.

۲. اقوال فقها در موارد جواز خروج زن بدون اذن

الف) دیدگاه مشهور فقها

مشهور فقهای امامیه بر این عقیده اند که مطلق خروج از خانه زوج در امور غیر واجب منوط به اذن شوهر است؛ اگرچه خروج منافاتی با حق استمتاع زوج نداشته باشد. از همین رو، عیادت و تشییع جنازه و مجلس عزای پدر و مادر جایز نیست، مگر در امور واجب. (حلی، محقق، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۸۰؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۰۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۸۳؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۵) بر اساس نظریه مشهور خروج بدون اذن بر اساس حکم تکلیفی حرام و از نظر حکم وضعی سبب نشوز است. (علی دوست، عشایری منفرد، بهار ۱۳۹۰، ص ۴۳-۷۳) اگرچه بر شوهر مستحب است که به زن برای شرکت در مراسم تشییع جنازه پدر و مادرش، اذن خروج بدهد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۸۳)

ب) دیدگاه غیر مشهور فقها

دسته دیگری از فقها اذن خروج از منزل را حق مستقلی برای زن ندانسته اند و اگر چنانچه آن خروج از منزلی که منافاتی با حق کامجویی مرد داشته باشد، مرد حق اذن دارد و در غیر این صورت زن بدون اذن شوهر می تواند از خانه خارج شود.

نویسندگان بر اساس آیه ۱۹ سوره نساء (...عاشروهن بالمعروف...) قائل به جواز خروج زن از منزل در ضرورت از جمله انجام واجب عینی، درمان بیماری، برای امرار معاش در

صورتیکه شوهر نفقه نمی‌دهد و موارد دیگری که به آن در ادامه اشاره می‌شوند. نویسندگان برای اثبات دیدگاه خود ادله قائلین به عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را رد می‌کنند که در ادامه تفصیلاً بررسی خواهد شد.

ج) لزوم اذن زوج در مسئله حج و مسافرت

صاحب مدارک در مسئله لزوم اذن شوهر برای زوجه در حج استحبابی، این مسئله را - بنا بر ادعای علامه در منتهی - غیر اختلافی بین فقهای شیعه دانسته و دلیل آن را منافات داشتن حج استحبابی با حق استمتاع زوج دانسته‌اند و به‌خاطر حج مستحب، امر واجب فوت نمی‌شود. صاحب مدارک در جواب از این اشکال آوردند که این ادعا اخص از مدعاست؛ زیرا مواردی وجود دارد که حج استحبابی، منافاتی با حقوق زوجه ندارد و همچنین، تنافی میان این دو عمل وجود ندارد. (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۹۱)

محقق خویی در مسئله مسافرت زوجه بدون اذن را به طور مطلق صحیح نمی‌داند؛ بلکه آن مسافرتی که منافاتی با حق زوج نداشته باشد، همانند آنکه خود زوج در مسافرت باشد، این نوع مسافرت زوجه منوط به اجازه زوج نمی‌باشد و منافاتی با حق زوج ندارد. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۳، ص ۱۷۶) یکی دیگر از ثمرات این قول، اموری است که زوج در وقت‌هایی که شاغل بوده و به منزل نمی‌آید، خروج از منزل نیازمند اذن شوهر نیست. همچنین در مواردی که شوهر در بستر بیماری یا زندان است و توان کامجویی ندارد، نیازمند اذن نیست و موارد متعدد دیگر.

همچنین محقق خویی در بحث حج مستحب برای زوجه، آن را منوط به اذن زوج دانسته است، مخصوصاً در مواردی که حج مستحب، منافات با حقوق زوج دارد. پس در مواردی که خروج زن با حقوق زوج در تراحم است، مرد حق منع خروج زوجه را دارد؛ به خلاف امور واجب که مرد نمی‌تواند از حج واجب منع کند. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۶، ص ۲۳۳). البته در این مسئله محقق اشاره‌ای کامل به مسأله خروج زن در بحث نکاح ندارد؛ اما در مواردی، به تنافی حقوق مرد با خروج زن اشاره دارد که اگر خروج زن در مسئله حج را در کنار خروج زن در مسئله نکاح قرار دهیم، منافاتی میان دو قول محقق خویی وجود نداشته باشد.

به طور خلاصه، دو دیدگاه وجود دارد: مشهور و شاذ در میان فقها نسبت به لزوم اذن زوجه در خروج از منزل وجود دارد که باید با بررسی دلیل‌های هر یک از اقوال فقها، باید دید ملاک و مبانی فقها در مسئله خروج از منزل چیست و تطبیق آن بر خروج زن از کشور و موارد مصادیق آن بر چه اساسی است؟

۳. ادله فقها در مسئله خروج زن

فقها در مورد این موضوع به روایاتی اشاره کردند که در آن، یکی از حقوق مرد را عدم خروج زن از منزل بدون اذن قرار داده‌اند.

قبل از بررسی روایات از آنجایی که یکی از پیش‌نیازهای فهم روایت، تحلیل دقیق زبان‌شناختی و سیاقی آن است، دو لفظ خروج و اذن را در فقه مورد بررسی قرار می‌دهیم. خروج در فقه دارای دو معنا است: ۱- بیرون رفتن، ۲- طغیان بر امام معصوم علیه السلام است «که به آن بغی نیز می‌گویند».

از خروج به معنای نخست در باب‌های مختلف همچون طهارت، صلات، حج، نکاح و قضا سخن گفته‌اند که به نمونه‌هایی از احکام آن اشاره می‌شود.

هنگام خروج از حمام ریختن آب سرد روی پاها (بحرانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳۶) و نیز خروج از مستراح با پیش نهادن پای راست مستحب است (نجفی جوهری، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۵۹). از اسباب جنابت و نیز نشانه‌های بلوغ بیرون آمدن منی از انسان است (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۵۱). برای بیان نمونه دیگر از معنای اول خروج در فقه می‌توان به فتوای امام «ره» در مورد خروج زن اشاره کرد. امام در این باره فرمودند: «خارج شدن زن از منزل شوهر بدون اجازه وی حرام است» (خمینی، ۱۳۹۰ ج ۲، ص ۳۰۲).

در فقه، اذن به اجازه معنا شده (حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۳۳۶) و گروهی آن را از ایقاعات (معامله‌ای که به دو طرف نیازمند نیست) دانسته‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۴۷۶). این واژه و مشتقاتش در موارد بسیاری از قرآن آمده که بیش‌تر آن‌ها در معنای تکوینی به کار رفته است؛ ولی گاهی با واژگان اذن، استیذان، استیناس و مفاهیمی از قبیل نفی جناح، و نفی حرج، به اذن تشریعی پرداخته است.

در این قسمت از مقاله به مهم‌ترین روایات این مسئله اشاره می‌گردد:

الف) ادله نقلی ضعیف

۱. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُبَيْرٍ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ قَالَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ فَخَبِّرْنِي عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَالَ ... وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷ ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۷).

«امام صادق علیه السلام فرمود: زنی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «حق شوهر بر زوجه چیست؟» حضرت فرمود: «بیشتر از آن است که میدانی.» آن زن گفت: «مرا از بخشی از آن حقوق آگاه کن.» رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود: «... و زن از خانه‌اش خارج نمی‌شود مگر با اذن شوهر...»

سند روایت ضعیف است، زیرا ابو عبدالله جامورایی را قمیون تضعیف کردند و رمی به غلو شده است. (ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۷). دلالت این روایت حاکی از آن است که یکی از حقوق مرد، استیذان برای خروج زن از منزل است.

۲. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ

الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ قَالَ وَإِنْ أَبَاهَا مَرَضَ فَبَعَثَتْ الْمَرْأَةُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَتْ إِنَّ زَوْجِي خَرَجَ وَعَهْدٌ إِلَيَّ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَقْدَمَ وَإِنَّ أَبِي قَدْ مَرَضَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُودَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا أَجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَتَقَلَّ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَتْ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُودَهُ فَقَالَ أَجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ إِنَّ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أُصَلِّيَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا أَجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَلِأَيِّكَ بِطَاعَتِكَ لِرِزْوَانِكَ» (همان، ص ۵۱۳، ح ۱)

«امام صادق عليه السلام فرمود: «در زمان رسول الله ﷺ مردی از منزلش خارج می‌شود و با همسرش عهد می‌بندد که تا زمان بازگشت از سفرش، از منزلش خارج نشود، درحالی‌که پدر همسرش مریض است. آن زن شخصی را نزد رسول الله ﷺ می‌فرستد و عهد خود را با ایشان در میان می‌گذارد و می‌گوید پدرش مریض است و به او امر کرده که نزدش برود؛ ایشان فرمودند: به خانه پدر نرو و از شوهرت اطاعت کن و در مرتب دوم نزد رسول خدا فردی را فرستاد و ایشان همان دستور اول را دوباره گفتند و سپس پدرش فوت می‌کند. زن را امر می‌کنند بر جنازه پدر نماز بخواند و فردی را نزد رسول خدا می‌فرستد. رسول الله ﷺ همان دستور اول را برای بار سوم تکرار می‌کند و آن مرد دفن می‌شود و سپس رسول الله ﷺ فردی به‌سوی آن زن می‌فرستد و می‌فرماید که خداوند به‌خاطر تبعیت شما از شوهرت گناهان شما و پدرت را آمرزیده است.»

سند روایت به دلیل وجود عبدالله بن قاسم حضرمی ضعیف است؛ زیرا در کتب رجالی از ایشان به غالی و کذاب یاد شده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۲۶) از نظر دلالت، این روایت حاکی از آن است که تبعیت از شوهر و عدم خروج از منزل سبب آمرزش گناهان همسر و پدر همسرش می‌شود.

(ب) ادله نقلی صحیح

۳. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا ... وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَمَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَمَلَائِكَةُ الْغُصْبِ وَمَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا ...»^۱ (همان، ص ۵۰۶-۵۰۷، ح ۱)

۱. مشابه مضمون این روایت در الفقیه نیز ذکر شده است: «... وَ نَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَتْهَا كُلُّ مَلَكَ فِي السَّمَاءِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۶)

سند روایت صحیح است؛ زیرا احمد بن محمد مشترک میان احمد بن محمد بن عیسی اشعری (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۵۱) و احمد بن محمد بن خالد برقی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۷) است که هر دو بزرگوار، امامی ثقة هستند. همچنین حسن بن محبوب سراد (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۲۳) و مالک بن عطیه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۲۳) و محمد بن مسلم (کشی، ۱۴۰۹، ص ۱۶۲) امامی ثقة می باشند. دلالت این روایت بر آن است که اذن زن هنگام خروج زن از منزل، یکی از حقوق زوج است.

۴. «وَسَأَلَتْهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلَهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا قَالَ لَا» (عریضی، ۱۴۰۹، ص ۱۷۹) «از معصوم علیه السلام پرسیدم: آیا زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه اش خارج شود؟ امام فرمود: نه.»

سند روایت صحیح است؛ زیرا علی بن جعفر عریضی ثقة هستند. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۵۹) این روایت بر عدم جواز خروج زوجه بدون اذن زوج دلالت دارد. (ج ادله نقلی موثقه)

۵. «- وَ رَوَى السَّكُونِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَيَّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۹)

«امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل می کنند که ایشان از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می کنند و فرمودند: «هر زنی که از منزل شوهر بدون اذن خارج شود، نفقه ندارد تا آنکه برگردد.» سند روایت موثقه است؛ زیرا سکونی عامی (حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۹۹) ثقة است. این روایت در مقام بیان حق نفقه برای زن است و زمانی این حق برای زن ثابت است که بدون از منزل خرج نشود.

اگرچه عمده روایات در این زمینه در مقام بیان فضائل اخلاقی یا توصیه به ادب خانوادگی هستند، نه در مقام جعل حکم تکلیفی (حرمت خروج) اما این روایات همچنان می تواند به عنوان مؤیدی بر دیدگاه مشهور فقهای امامیه (ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به صورت مطلق) مورد استفاده قرار گیرد که به دلیل ناتمام بودن این ادله، حجیت ندارند.

عمده مستند مبحث خروج بدون اذن زن از منزل شوهر، روایات است که به مهم ترین آنها اشاره شده است. البته برخی محققان با آیه ۳۴ سوره نساء، لزوم خروج را منوط به اجازه زوج دانسته اند که آیه، در مقام سلطه و فرمانروایی و تبعیت محض زن از شوهر نیست؛ بلکه در مقام سرپرستی و مدیریت نهاد خانواده است که بر عهده مرد می باشد و دلالتی بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و عدم جواز منافاتی با استمتاع زوج ندارد. (احمدوند، آزادی، پاییز ۱۳۹۹، ص ۳۷۷-۴۰۰)

بر اساس تفسیر المیزان نه تنها اینکه این آیه دلالتی بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون

اذن شوهر و عدم جواز منافاتی با استمتاع زوج ندارد؛ بلکه بیان می‌کند که استقلال زن در اجتماع محفوظ است و این قوامیت مرد بر زن به این قوامیت خدشه وارد نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۲ش، ج ۴، ص ۳۴۳). شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۹) و فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۴۴۸) نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید این آیه دلالتی بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر ندارد.

همچنین برخی دیگر در مقام بیان مستند قول شاذ به ارتکاز متشرعه استناد نموده‌اند که غیر از آن نمی‌توان دلیلی برای آن متصور شد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۴۷۹-۴۸۰) با توجه به ظنی بودن ارتکاز متشرعه و عدم احراز اتصال آن به سیره معصومین علیهم‌السلام، قدرت کشف از واقع را ندارد؛ زیرا ممکن است سیره‌ای در میان مسلمین و متشرعان رواج داشته باشد که مستند به قول و فعل معصومین علیهم‌السلام نباشد.

۴. نقد و بررسی اقوال و ادله

برای نظریه تحقیقی این نوشتار در مسئله خروج زن از منزل شوهر و تطبیق آن بر خروج کشور، ابتدا باید ملاک‌گیری از اقوال فقها بیان شود و سپس ادله مستندات اقوال با مذاقه فقهی بررسی گردد.

۴-۱. ملاک فقها در خروج بدون اذن

در بحث اقوال دو قول و یک احتیاط بیان شد که نظر مشهور فقها بر لزوم اذن از شوهر بوده است. بنا بر آنچه که بیان شده است، ملاک اصلی قول مشهور تبعیت محض همسر از شوهر است؛ حتی در اموری که به کامجویی شوهر ارتباطی نداشته باشد. در مقابل از نظر قول شاذ تبعیت از شوهر در اموری که مرتبط با امور کامجویی مرد از زن است، معتبر است. شاید علت احتیاط برخی متأخران نیز در مسئله لزوم اذن، همین ملاک تبعیت محض زن از همسر خود باشد که باید دید دلیلی بر این ادعا وجود دارد یا خیر؟ از این رو، باید دید که ادله روایی لزوم اذن، تا چه حد اعتبار و دلالت دارد.

۴-۲. بررسی دلالت ادله فقها

مهم‌ترین روایتی که در این مسئله، دلالت بر لزوم اذن برای خروج از منزل دارد، روایت قاسم بن عبدالله حضرمی است که ضعیف است. این ضعف نسبت به روایت دوم نیز وجود دارد؛ زیرا سند روایت به دلیل وجود عبدالله بن قاسم حضرمی ضعیف است و در کتب رجالی از ایشان به غالی و کذاب یاد شده است؛ پس روایت اول و دوم به دلیل ضعف سندی معتبر نیستند. از آنجاکه روایت در مرحله نخست از نظر سندی ضعیف است، به بررسی دلالت آیه نمی‌پردازیم و هر دو روایت مردود شمرده می‌شوند.

روایت سوم صحیح است؛ اگرچه لفظ نهی که در روایت آمده است دلالت بر تهی تحریمی می‌کند؛ اما ممکن دلالت بر نهی تنزیهی نیز داشته باشد (آخوند خراسانی،

۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸۱). به همین خاطر دلالت لفظ نهی، بر حرمت روشن نیست و چه بسا ممکن است که لعنت فرشتگان نسبت به امور غیر حرام و از باب کراهت شدید بوده باشد. روایات دیگری وجود دارد که انجام فعل به طور یقین حرام نمی باشند؛ همانند تنها خوابیدن یا تنها غذا خوردن. (علیدوست، عشایری منفرد، بهار ۱۳۹۰، ص ۴۳-۷۳)

روایت چهارم که سند معتبری نیز دارد، به حکم وضعی ناشی از خروج زن پرداخته و تعلق نفقه به زن را تا هنگام بازگشت وی منتفی دانسته است. استناد به این روایت مستلزم قول به ملازمه میان حکم وضعی و حکم تکلیفی حرمت خروج بدون اذن است که خالی از اشکال نیست. (فردوسی، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۴۰۱-۱۴۲۲) روایت پنجم نیز مشکل دلالتی دارد و از نظر سند ایرادی ندارد؛ یعنی در روایت، خروج از منزل شوهر را بیان نکرده و از همین تطبیق روایت بر مسئله، خروج محلّ خدشه است.

نکته فقهاتی مهمی در رابطه با روایات این مسئله وجود دارد، آن است که معنای خروج چیست؟ منظور از خروج در تعبیر روایات به قرینه روایت پنجم یعنی موثقه سکونی، خروج یک لحظه یا چند ساعت را شامل نمی شود؛ زیرا خروج بلندمدت و بدون بازگشت است که مصداق نشوز است. (علی دوست، عشایری منفرد، بهار ۱۳۹۰، ص ۴۳-۷۳)

پس در حقیقت با توجه به نقد دلیل های نظریه مشهور برای نگارنده پشتوانه محکمی در مسئله لزوم اذن احراز نشد؛ بنابراین باید در مسئله خروج همسر از خانه خود برای رفتن به خارج کشور، سراغ قواعد و آیات رفتار نیکو میان زن و شوهر رفت.

یکی از آیاتی که دستور به تعامل معروف و نیکو با زنان می دهد آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَوُوا النِّسَاءَ كُرْهًا وَلَا تَعْضِلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ (نساء: ۱۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده اید [از چنگشان به در] برید، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند، و با آنها به شایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوششان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می دهد» می باشد.

در تبیین معنای آیه ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ ابن ادریس می گوید «بما يتعارف الناس» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۵۵) یعنی هر آنچه را که مردم آن را شایسته می دانند. شیخ طبرسی نیز می نویسد که معروف این است که او را نزنند و سخن بد به او نگویند و با او گشاده رو باشد و گفته اند مقصود این است که هر طور او رفتار می کند مرد هم همان طور رفتار کند. (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۰). اصولیون معتقدند که امر دلالت بر وجوب دارد (خوئی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۸۷) و از آنجایی که لفظ «عاشروهن» امر است، پس واجب است که با

زنان به صورت معروف معاشرت کنیم. ناگفته نماند که از نظر علم صرف میز کلمه عاشر از باب مفاعله است و بر اساس علم صرف و دیدگاه مرحوم خوئی مفاعله، دلالت بر مشارکت دارد (درس خارج استاد قایینی، ۱۳۹۴، جلسه ۳۶) یعنی هم زن باید معاشرت به معروف داشته باشد و هم مرد باید معاشرت به معروف داشته باشد. علاوه بر اینها، همچنین از منظر برخی محققان می توان گفت اگر مرد زن خود را بدون دلیل یا به دلیل خارج از مصلحت خانواده از خروج از منزل منع کند، خلاف این آیه رفتار کرده است و حق وی برای اذن خروج، شامل این موارد نمی شود؛ بنابراین اطلاق روایات (بفرض صحت دلالت و سندشان) بر اساس این آیه تخصیص می خورد. (فردوسی، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۴۰۱-۱۴۲۲)

در ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان به طور دقیق با اشراف بر مبانی فقهی - قرآنی در مسأله، اختیار خروج از کشور را به طور کامل برعهده شوهر قرار نداده است؛ بلکه اگر شوهر به طور غیر موجه از اذن خودداری کند و زوجه نیز مدارک و مستندات ضرورت خروج از کشور را تقدیم دادگاه کند و دادگاه نیز ضرورت خروج از کشور را احراز کند، لزوم اذن خروج از شوهر سلب شده و دادگاه باید به طور روشن با در نظر گرفتن مدارک موجود، مدت و دفعات خروج از کشور را برای زوجه معین نماید. نکته دیگری در در ماده ۵۷ قانون حمایت از زنان وجود دارد آن است که خروج را به معنای عام خود یعنی خروج مدت دار از کشور لحاظ کرده و نسبت به خروج از منزل همانند آنکه برای خرید روزانه یا کار جزیی به بیرون می رود؛ نپرداخته است و عرف نیز بر این خروج کوتاه مدت را «خروج» کامل لحاظ نمی کند.

البته در فقه لزوم اذن خروج از منزل را برای زن معین کرده است؛ اما استثنائاتی را برای زن قائل شده است که همگی حاکی از حسن معاشرت با زن «عاشروهن بالمعروف» است:

- ۱- خروج از منزل برای کسب معارف اعتقادی به مقدار لازم و ضروری و همین طور برای فراگیری وظایف شرعی الزامی؛

- ۲- خروج برای معالجه بیماری، چنانچه امکان درمان در منزل نباشد؛

- ۳- خروج برای فرار از ضررهای جانی و مالی و عرضی؛

- ۴- خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است مانند سفر حج، شرکت در انتخابات یا نجات نفس محترمه؛

- ۵- چنانچه ماندن در منزل، توأم با عسروخرج غیرقابل تحمل باشد، خروج جایز است؛

- ۶- چنانچه در ضمن عقد نکاح انتخاب مسکن و اشتغال به مشاغل اداری به زوجه محول

شده باشد و به عنوان شرط در ضمن عقد، برای خود سلب محدودیت کرده است؛

- ۷- خروج برای تأمین معاش، چنانچه شوهر او قادر به آن نباشد یا از انفاق سرپیچی کند؛

- ۸- خروج از منزل برای تظلم و دادخواهی» (علیدوست، عشایری منفرد، بهار ۱۳۹۰،

ص ۴۳-۷۳)

۵. بررسی خروج زنان از کشور در قانون

بررسی قوانین مربوط به خروج زنان از کشور عمدتاً در دو مقرر اصلی متمرکز است: ماده ۱۸ قانون گذرنامه و لایحه ۵۷. این دو قانون، با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به نقش شوهر و دادگاه در صدور گذرنامه، شاخصی برای تحلیل نحوه توازن میان حقوق فردی زنان و ساختار خانواده در نظام قانونی ایران محسوب می‌شوند.

۱. ماده ۱۸ قانون گذرنامه

قانون‌گذار در ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ به شرایط افرادی که برای خروج از کشور نیاز به اجازه قانونی دارند، اشاره نموده و می‌آورد:

برای اشخاص زیر با رعایت شرایط مندرج در این ماده گذرنامه صادر می‌شود:

۱ - اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و کسانی که تحت ولایت و یا قیمومیت هستند با اجازه کتبی ولی یا قیم آنان.

۲ - مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی.

۳ - زنان شوهردار و لو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن در اسرع وقت اعلام دارد. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این بند مستثنی هستند. (ثمنی، نعیمی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۹-۲۵۹)

در ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ بدین صورت است که این ماده شرایط صدور گذرنامه برای گروه‌های خاص (از جمله زنان متأهل) را مشخص می‌کند و بر اساس اصل ولایت شوهر (مستفاد از ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی که زن را تابع شوهر در محل اقامت می‌داند) تدوین شده است.

برای تحلیل حقوقی این ماده نیاز است تا در مورد برخی واژگان توضیحی داده شود: الف) اجازه کتبی از شوهر: بر اساس این ماده، منظور از موافقت کتبی شوهر آن است که رضایت او در قالب گواهی امضا در دفترخانه اسناد رسمی ثبت شود و هویت وی نیز توسط مسئول دفترخانه احراز گردد.

به همین دلیل، رضایت شفاهی یا غیررسمی شوهر، از نظر حقوقی برای صدور گذرنامه کافی نیست.

باین حال، الزام قانونی زن به دریافت موافقت کتبی شوهر، امری قطعی و مطلق نیست؛ زیرا هدف اصلی از این مقرر، حمایت از حقوق شوهر است که پیش‌تر در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده پیش‌بینی شده و در ماده ۱۹ دوباره مورد تأکید قرار گرفته است.

در واقع، این مقررات با توجه به ساختار طبیعی، عرفی و اجتماعی جامعه، و نقش متفاوت

زن و مرد در روابط خانوادگی، تنظیم شده است تا نوعی هماهنگی و توازن در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی ایجاد شود.

با این وجود، اعمال چنین الزامی در برخی موارد ممکن است به محدود شدن آزادی‌های فردی زن یا تضعیف جایگاه مالی و اجتماعی او بینجامد، به‌ویژه در خانواده‌هایی که زنان از استقلال مالی کافی برخوردارند.

ب) موارد اضطراری: مراد از اضطرار، اعم از اضطرار عقلی، شرعی و عرفی است و شامل موارد اکراهی و اجباری نمی‌شود. اضطرار به معنای شرایطی است که فرد ناچار به تصمیم‌گیری می‌شود و در این حالت اختیار او محدود می‌شود. در ازدواج، اصل بر رضایت طرفین است، اما شرایط اضطراری می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری یکی از طرفین را کاهش دهد. از نظر فقه و منطق، اضطرار باید بر اساس واقعیت‌های اجتماعی و عرف تفسیر شود، نه برداشت شخصی. قانون‌گذار تلاش کرده میان حفظ خانواده و حقوق زن تعادل برقرار کند؛ زن نباید در شرایط فشار همسر از حقوق خود محروم شود. ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی نیز ریاست خانواده را به شوهر می‌دهد، اما به معنای سلطه یا برتری نیست، بلکه برای هماهنگی و تقسیم مسئولیت‌هاست.

اگر شوهر در موارد اضطرار اجازه ندهد، با درخواست زوجه، دادستان شهرستان محل درخواست (معمولاً دادستان عمومی و انقلاب) نظر می‌دهد. این مکانیسم برای جلوگیری از سوءاستفاده شوهر و حمایت از حقوق فوری زن (مانند درمان پزشکی یا امور خانوادگی اضطراری) است، اما محدود به موارد اضطراری است و دادستان باید نظر خود را (قبول یا رد) اعلام کند. (ثمنی، نعیمی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۹-۲۵۹)

بنا بر توضیحات گفته شده در تحلیل ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ صدور گذرنامه برای زنان متأهل را منوط به موافقت کتبی شوهر می‌کند که باید رسمی و ثبت شده در دفترخانه باشد. این الزام مطلق نیست و هدف آن هماهنگی در تصمیم‌گیری خانوادگی و حمایت از حقوق شوهر است. در موارد اضطراری که اختیار زن محدود می‌شود، زن می‌تواند با درخواست به دادستان، اجازه گذرنامه را دریافت کند تا از سوءاستفاده یا محرومیت از حقوق خود جلوگیری شود. این ماده آزادی فردی زن را محدود نمی‌کند، بلکه میان حفظ خانواده و حقوق زن تعادل برقرار می‌کند.

۲. ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان

ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان بخشی از لایحه‌ای است که هدف آن مقابله با خشونت علیه زنان (جسمی، روانی، اقتصادی و جنسی) است و بر اساس اصول حمایتی قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند CEDAW (که ایران به آن نپیوسته اما الهام‌بخش است) تدوین شده است.

در تحلیل ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت مثل ماده ۱۸ قانون گذرنامه در ابتدا باید به توضیحی برخی از موارد بپردازیم:

الف) الزام اولیه اجازه شوهر: همانند ماده ۱۸ قانون صدور گذرنامه، خروج از کشور را منوط به اجازه شوهر می‌داند، اما برای مواجهه با محدودیت، زن می‌تواند در موارد اضطراری یا اختلاف، مستقیماً از مراجع قضایی درخواست صدور گذرنامه کند.

ب) خودداری غیرموجه شوهر: اگر شوهر بدون دلیل موجه (مانند نگرانی‌های امنیتی یا خانوادگی معتبر) اجازه ندهد، زن می‌تواند دادخواست به دادگاه خانواده بدهد و مدارک ضرورت خروج (مانند فرصت شغلی، تحصیلی، درمانی یا خانوادگی) را ارائه کند.

ج) فرایند دادگاهی: دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌کند، ضرورت را احراز می‌نماید، و اگر لازم بداند تأمین مناسب (مانند ضمانت بازگشت یا تعهد مالی) می‌گیرد. سپس اجازه خروج با ذکر مدت و دفعات صادر می‌شود.

د) جنبه‌های حقوقی: این ماده تلاشی برای تعدیل ولایت شوهر است و با اصول فقهی عسرو حرج (سختی و مشقت، ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) همخوانی دارد، جایی که دادگاه می‌تواند در موارد سختی زن مداخله کند. همچنین، به توسعه مفهوم عسرو حرج در ماده ۵۶ همان لایحه اشاره دارد که می‌تواند به طلاق منجر شود. این رویکرد حمایتی‌تر است و خشونت روانی (مانند منع خروج بی‌دلیل) را جرم‌انگاری می‌کند.

با توجه به مطلب بیان شده در تحلیل لایحه ۵۷ گفته می‌شود:

لایحه ۵۷ همانند قانون ۱۸ صدور گذرنامه را خروج از کشور را منوط به اجازه شوهر می‌کند، اما در موارد اضطراری یا خودداری غیرموجه شوهر، زن می‌تواند مستقیماً به دادگاه مراجعه کند. دادگاه خارج از نوبت بررسی کرده و با احراز ضرورت و تعیین شرایط (مانند ضمانت بازگشت)، اجازه خروج صادر می‌کند. این مکانیزم، تلاشی برای تعدیل ولایت شوهر و حمایت از زن در چارچوب اصول فقهی عسرو حرج است و خشونت روانی ناشی از منع غیرموجه خروج را محدود می‌کند.

۳. تفاوت ماده ۱۸ قانون گذرنامه و ماده ۵۷ لایحه حمایت از زنان

تفاوت ماده ۱۸ قانون گذرنامه و ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان را در حیطه کارایی و اثر بخشی می‌توان بررسی کرد:

کارایی ماده ۱۸: این ماده سریع است و در موارد اضطراری مؤثر، اما محدودکننده است و ممکن است به سوءاستفاده منجر شود (شوهر می‌تواند بدون دلیل موجه مانع شود، مگر اضطراری باشد). در عمل، دادستان‌ها اغلب محافظه‌کارانه عمل می‌کنند و آمار نشان می‌دهد بسیاری از زنان به دلیل ترس از عواقب خانوادگی، از آن استفاده نمی‌کنند. این ماده با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر (مانند ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در آزادی

تردد) تعارض دارد.

کارایی ماده ۵۷: اگر تصویب شود، کارآمدتر خواهد بود؛ زیرا دامنه وسیع‌تری دارد و قدرت شوهر را مشروط به موجه بودن می‌کند که می‌تواند به کاهش خشونت خانگی کمک کند. فرایند دادگاهی ممکن است زمان‌بر باشد (برخلاف ماده ۱۸ که سریع است)، اما خارج از نوبت بودن آن کمک‌کننده است. همچنین، الزام تأمین می‌تواند مانع شود، اما کلیت آن حقوق زنان را تقویت می‌کند. با این حال، تا تصویب نهایی، کارایی آن صفر است و قانون ۱۳۵۱ حاکم می‌ماند.

مقایسه کلی این دو بدین بیان است که لایحه کارایی بالاتری در بلندمدت دارد زیرا بخشی از اصلاحات گسترده‌تر (مانند جرم‌انگاری خشونت روانی) است، اما اجرای آن وابسته به تصویب و زیرساخت‌های قضایی است. قانون ۱۳۵۱ ساده‌تر اما تبعیض‌آمیزتر است و ممکن است با اصول قانون اساسی (اصل ۲۱ در حمایت از حقوق زنان) ناسازگار باشد.

ماده ۱۸ قانون گذرنامه، نماد رویکرد سنتی به حقوق خانواده است که ولایت مرد را اولویت می‌دهد، در حالی که ماده ۵۷ تلاشی برای مدرن‌سازی و حمایت از زنان است و می‌تواند قانون گذرنامه را تکمیل یا اصلاح کند، تفاوت اصلی در انتقال قدرت از شوهر به دادگاه است که می‌تواند به کاهش نابرابری جنسیتی کمک کند. با توجه به بلا تکلیفی لایحه، زنان همچنان باید به ماده ۱۸ تکیه کنند. پیشنهاد می‌شود مجلس لایحه را نهایی کند تا با استانداردهای جهانی همخوانی یابد، یا حداقل ماده ۱۸ را اصلاح کند تا ضرورت به صورت مطلق را جایگزین حالت اضطرار کند.

مهم‌ترین تفاوت‌های کلیدی بین دو ماده به این شکل است:

معیار	ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان	ماده ۱۸ قانون گذرنامه (۱۳۵۱)
الزام اولیه	نیاز به موافقت شوهر، اما در صورت خودداری غیرموجه، امکان درخواست مستقیم از دادگاه	نیاز به موافقت کتبی شوهر (رسمی در دفترخانه)
موارد اضطراری	رسیدگی خارج از نوبت توسط دادگاه با احراز ضرورت	امکان درخواست از دادستان (در اسرع وقت)
هدف	حمایت از حقوق زنان و کاهش خشونت (روانی، اقتصادی)	حفظ هماهنگی خانوادگی و حقوق شوهر
کارایی	کارآمدتر، اما زمان‌بر؛ کاهش قدرت مطلق شوهر	سریع اما محدودکننده؛ امکان سوءاستفاده شوهر

رویکرد فقهی - حقوقی	مدرن، حمایت از حقوق زنان با تکیه بر عسر و حرج	سنتی و مبتنی بر ولایت شوهر
دامنه کاربرد	وسیع تر: هر ضرورت (مانند تحصیل، کار، سفر خانوادگی)، حتی بدون اضطراری، اگر خودداری شوهر "غیرموجه" باشد.	محدود به موارد اضطراری (فوری و حیاتی مانند بیماری یا مرگ خانوادگی)
وضعیت اجرایی	بلا تکلیف و در انتظار تصویب	اجرا و قانون حاکم و قابل اجرا
محدودیت‌ها	نیاز به تأمین (ضمانت) و زیرساخت قضایی	محافظه کاری دادستان‌ها؛ ترس زنان از عواقب خانوادگی
تأثیر بلندمدت	تقویت حقوق زنان و کاهش نابرابری جنسیتی	تبعیض آمیز و محدود

نتیجه‌گیری

ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان (مصوب ۱۳۹۹) به شرایط خروج زن از کشور بدون اذن شوهر، مانند خودداری غیرموجه شوهر، ارائه مدارک ضرورت، و احراز ضرورت توسط دادگاه، پرداخته است. با توجه به نبود پیشینه فقهی جامع درباره خروج از کشور (به جز در مورد حج واجب)، نزدیک‌ترین مبنای فقهی برای تحلیل این مسئله، لزوم اذن شوهر برای خروج زن از منزل است. این پژوهش با تمرکز بر خروج زوجه از منزل، به‌عنوان مشابه‌ترین مصداق فقهی، ماده ۵۷ را بررسی می‌کند. از طریق تنقیح مناط، با استناد به ادله فقهی و روایات مربوط به خروج از منزل، حکم لزوم یا عدم لزوم اذن شوهر برای خروج زوجه از کشور استنباط می‌شود، مشابه استنباط فقها از روایت اعرابی در تعمیم حکم روزه به موارد غیر اعرابی.

طبق دیدگاه مشهور فقها در بحث عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر مطلقاً جایز نیست، و این عمل از نظر تکلیفی حرام و از حیث وضعی موجب نشوز است. این نظر مبتنی بر روایاتی است که برخی ضعیف و برخی صحیح و موثق هستند که رد شده‌اند. این ادله شامل روایات ضعیف السند (به دلیل راویان غیر معتبر مانند عبدالله بن قاسم حضرمی)، صحیح محمد بن مسلم (که لعن فرشتگان را ذکر می‌کند، اما دلالت آن بر حرمت قطعی محل تأمل است)، صحیح علی بن جعفر (عدم جواز خروج زوجه بدون اذن زوج، بدون توجه به شرایط اضطراری)، و موثق سکونی (محرومیت از نفقه در خروج طولانی) است. نقد دلالتی نشان می‌دهد که روایات اغلب ناظر به مستحبات اخلاقی یا فاقد ظهور در حرمت مطلق‌اند. در مقابل، قول غیر مشهور در بحث عدم جواز

خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، خروج زن را تنها در صورت تراحم با حق استمتاع شوهر ممنوع می‌داند و در غیر این موارد، اذن را لازم نمی‌شمارد.

در بحث جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، مشهور فقها خروج بدون اذن را در مواردی مانند حج واجب، درمان بیماری، فرار از ضرر جانی یا مالی، و عسرو حرج و یا به عبارت دیگر در ضرورت جایز می‌دانند، حتی اگر با استمتاع شوهر منافات داشته باشد. غیر مشهور معتقدند اذن تنها در صورت تراحم با استمتاع لازم است.

قاعده قرآنی «معاشرت به معروف» (نساء: ۱۹) بر وجوب تعامل مشارکتی زن و شوهر بر اساس عقل، شرع و عرف تأکید دارد. ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت زنان (۱۳۹۹) خروج زن از کشور را در صورت خودداری غیرموجه شوهر، با ارائه مدارک ضرورت و احراز آن توسط دادگاه، جایز می‌داند. این ماده با استثنائات فقهی (مانند واجبات عینی، درمان، عسرو حرج) و قاعده حسن معاشرت سازگار است. دیدگاه مشهور مبنی بر لزوم مطلق اذن شوهر پشوانه محکمی ندارد، و ماده ۵۷ تفسیری عادلانه ارائه می‌دهد.

بنابراین، خروج زن در شرایط ضروری بدون اذن، مشروع است، و ممانعت بی‌دلیل شوهر خلاف فقه و عقل است.

در بررسی قوانین مربوط به خروج زنان از کشور در ماده ۱۸ قانون گذرنامه و ماده ۵۷ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان، باید گفت که، در ماده ۱۸ قانون گذرنامه ۱۳۵۱، صدور گذرنامه برای زنان متأهل را مشروط به رضایت کتبی و رسمی شوهر (ثبت‌شده در دفتر اسناد رسمی) می‌داند. این شرط مطلق نبوده و با هدف ایجاد هماهنگی خانوادگی و حفظ حقوق شوهر وضع شده است. در شرایط اضطراری که اختیار شوهر محدود می‌شود، او می‌تواند از دادستان درخواست مجوز کند تا از محرومیت یا سوءاستفاده جلوگیری شود. این ماده به دنبال تعادل بین حفظ بنیان خانواده و رعایت حقوق فردی زن است، بدون محدود کردن آزادی او. لایحه ۵۷، مانند ماده ۱۸، صدور گذرنامه و خروج زنان از کشور را مشروط به اجازه شوهر می‌داند، اما در موارد اضطراری یا امتناع غیرموجه شوهر، زن می‌تواند مستقیماً به دادگاه مراجعه کند. دادگاه خارج از نوبت رسیدگی کرده و با تشخیص ضرورت و تعیین شرایط مناسب (مانند تضمین بازگشت)، اجازه خروج را صادر می‌کند. این سازوکار، تلاش برای تعدیل ولایت شوهر و حمایت از زن در چارچوب اصول فقهی عسرو حرج است و از ایجاد خشونت روانی ناشی از منع غیرموجه جلوگیری می‌کند.

منابع

۱. احمدی، سید مهدی، سلیلی، سید علی (۱۳۸۹) بررسی فقهی مسئله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دوره ۷، شماره ۲۲، ص ۱۱-۳۰.
۲. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق) السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ ش) الرجال، چاپ اول، قم: دارالحديث.
۵. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق) کفایة الاصول، قم: آل البيت (علیه السلام).
۶. بحرانی، شیخ یوسف (بی تا) الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۷. بیرانوند، رضا؛ بیات، جعفر (۱۴۰۲ش) تحلیل رویه قضایی پذیرش خروج از کشور زوجه در ضمن عقد نکاح رافع ممنوع الخروجی زوجه، پژوهش ملل، شماره ۸۷، ص ۵۱ تا ۷۰.
۸. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق) المسائل المنتخبة (للتبریزی)، چاپ پنجم، قم: دار الصديقة الشهيدة (علیه السلام).
۹. ثمنی، لبلا؛ نعیمی، طاهره سادات (۱۳۹۸) ضرورت موافقت زوج برای خروج زوجه از کشور، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲، ص ۲۳۹ تا ۲۵۹.
۱۰. حلی، محقق (۱۴۰۹ق) شرائع الاسلام، چاپ دوم، تهران: استقلال.
۱۱. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ ش) تحریرالوسیله، چاپ دوم، قم: دار الکتب العلمیة (ملاحظات: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان).
۱۳. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق) جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدوق.
۱۴. خویی، ابوالقاسم (۱۳۶۸ش) اجودالتقریرات، چاپ دوم، قم: مؤسسه صاحب الامر (عج).
۱۵. خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸ق) موسوعة الإمام الخوئی، چاپ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
۱۶. زین العابدین نجفی (۱۳۹۱ش) خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و پنجم، شماره ۲، ص ۱۰۳-۱۲۳.

۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲ش) المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ق) فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول چاپ: اول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۲۰. طوسی، محمد (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق) مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، چاپ اول، بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
۲۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق) مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۳. عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹ق) مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
۲۴. علی دوست، ابوالقاسم، عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۰) بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده «لاضرر»، دوره مطالعات راهبردی زنان، شماره پیاپی ۵۱، ص ۴۳-۷۳.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق) تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - النکاح، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
۲۶. فیض کاشانی، محمد (۱۳۷۳ش) تفسیرالصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۲۷. قایینی نجفی، محمد (۱۳۹۴ش) درس خارج فقه، قاعده لا ضرر، دسترسی از طریق: <https://B2n.ir/np4098>.
۲۸. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق) رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، چاپ اول، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۹. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش) رجال النجاشی، چاپ ششم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه.
۳۱. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. نراقی، احمد (۱۴۱۵ق) مستند الشیعة فی أحکام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
۳۳. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق (۱۳۸۹) دادگاه‌های اختصاصی اداری - در پرتو

اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، چ اول، تهران: خرسندی.
۳۴. ویکی فقه (بی تا) دسترسی از طریق:

<https://B2n.ir/kx7497>.

References

1. Ahmadi, Seyed Mehdi, & Salili, Seyed Ali. (2010). Jurisprudential Investigation of the Issue of a Wife Leaving the House Without the Husband's Permission. *Islamic Jurisprudence and Law Research (Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law)*, 7(22), 11-30. (in Persian).
2. Ibn Idris, Muhammad ibn Mansur ibn Ahmad. (1989). *Al-Sarā'ir al-Hāwī li-Taḥrīr al-Fatāwā* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic).
3. Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1992). *Man lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic).
4. Ibn Ghadā'irī, Ahmad ibn Husayn. (1985). *Al-Rijāl* (1st ed.). Qom: Dar al-Hadith. (in Arabic).
5. Akhund Khorasani, Muhammad Kazim. (1988). *Kifāyat al-Uṣūl*. Qom: Āl al-Bayt (AS). (in Arabic).
6. Bahrani, Sheikh Yusuf. (n.d.). *Al-Ḥadā'iq al-Nāḍirah fī Ahkām al-'Itrah al-Tāhirah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī affiliated with the Society of Teachers. (in Arabic).
7. Biranvand, Reza, & Bayat, Jafar. (2023). Analysis of Judicial Procedure: Acceptance of Wife's Departure from the Country within the Marriage Contract as Removing the Ban on Wife's Departure. *Research of Nations*, 87, 51-70. (in Persian).
8. Tabrizi, Jawad ibn Ali. (2006). *Al-Masā'il al-Muntakhabah* (For Tabrizi) (5th ed.). Qom: Dār al-Ṣiddīqah al-Shahīdah (SA). (in Arabic).
9. Samani, Leila, & Naeimi, Tahereh Sadat. (2019). Necessity of Husband's Consent for Wife's Departure from the Country. *Private Law Studies*, 2, 239-259. (in Persian).
10. Hilli, Muḥaqqiq. (1988). *Sharā'i' al-Islām* (2nd ed.). Tehran: Esteghlal. (in Arabic).
11. Hilli, Muḥaqqiq, Najm al-Din, Ja'far ibn Hasan. (1987). *Sharā'i' al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa-al-Ḥarām* (2nd ed.). Qom: Esmaeilian Institute. (in Arabic).
12. Khomeini, Seyed Ruhollah. (2011). *Taḥrīr al-Wasīlah* (2nd ed.). Qom: Dār al-Kutub al-'Ilmiyah (Notes: Esmaeilian Press Institute). (in Arabic).
13. Khansari, Seyed Ahmad. (1984). *Jāmi' al-Madārik fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'* (2nd ed.). Tehran: Maktabat al-Ṣadūq. (in Arabic).
14. Khoei, Abu al-Qasim. (1989). *Ajwad al-Taqrīrāt* (2nd ed.). Qom: Mu'assasat Ṣāhib al-Amr (AJ). (in Arabic).
15. Mousavi Khoei, Seyed Abu al-Qasim. (1997). *Mawsū'at al-Imām al-Khū'i* (1st ed.). Qom: Mu'assasat Ihya' Āthār al-Imām al-Khū'i (RA). (in Arabic).

16. Zayn al-Abidin Najafi. (2012). Wife Leaving the House and Husband's Permission from the Perspective of Imami Jurisprudence. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 45(2), 103-123. (in Persian).
17. Tabatabai, Mohammad Hossein. (1973). *Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li-al-Maṭbū'āt. (in Arabic).
18. Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1994). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ma'rifah. (in Arabic).
19. Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (1999). *Fihrist Kutub al-Shī'ah wa-Uṣūlihim wa-Asmā' al-Muṣannifīn wa-Aṣḥāb al-Uṣūl* (1st ed.). Qom: Maktabat al-Muḥaqqiq al-Ṭabāṭabā'i. (in Arabic).
20. Tusi, Muhammad. (n.d.). *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (in Arabic).
21. Amili, Muhammad ibn Ali Mousavi. (1990). *Madārik al-Aḥkām fī Sharḥ 'Ibādāt Sharā'i' al-Islām* (1st ed.). Beirut - Lebanon: Mu'assasat Āl al-Bayt (AS). (in Arabic).
22. Amili, Shahid al-Thani, Zayn al-Din ibn Ali. (1992). *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'i' al-Islām* (1st ed.). Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyah. (in Arabic).
23. Oraizi, Ali ibn Ja'far. (1988). *Masā'il 'Alī ibn Ja'far wa-Mustadrakātuhā* (1st ed.). Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (AS). (in Arabic).
24. Alidoust, Abolghasem, & Ashayeri Monfared, Mohammad. (2011). Re-examination of Leaving the House Without Husband's Permission from the Perspective of the "No Harm" (Lā Ḍarar) Rule. *Women's Strategic Studies*, 51, 43-73. (in Persian).
25. Fazel Lankarani, Mohammad. (2000). *Tafṣīl al-Sharī'ah fī Sharḥ Tahrīr al-Wasīlah - Al-Nikāḥ* (1st ed.). Qom: Jurisprudential Center of Imams (AS). (in Arabic).
26. Feyz Kashani, Mohammad. (1994). *Tafsīr al-Ṣāfi*. Tehran: Maktabat al-Ṣadr. (in Arabic).
27. Ghaeni Najafi, Mohammad. (2015). Khārij Lesson, No Harm Rule. Retrieved from: <https://B2n.ir/np4098>. (in Persian).
28. Kashi, Muhammad ibn Umar. (1988). *Rijāl al-Kashshī - Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl* (1st ed.). Mashhad: Mashhad University Publishing Institute. (in Arabic).
29. Kulayni, Abu Ja'far, Muhammad ibn Ya'qub. (1986). *Al-Kāfi* (4th ed.). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. (in Arabic).
30. Najashi, Ahmad ibn Ali. (1986). *Rijāl al-Najāshī* (6th ed.). Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī affiliated with the Society of Teachers in Qom. (in Arabic).
31. Najafi, Sahib al-Jawahir, Muhammad Hasan. (1983). *Jawāhir al-Kalām*

fi Sharḥ Sharā'ī' al-Islām (7th ed.). Beirut - Lebanon: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (in Arabic).

32. Naraqi, Ahmad. (1994). Mustanad al-Shī'ah fi Aḥkām al-Sharī'ah. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (AS) li-Ihya' al-Turāth. (in Arabic).

33. Hadavand, Mehdi, & Aghaei Togh, Moslem. (2010). Special Administrative Courts - In the Light of Principles and Fair Procedures (1st ed.). Tehran: Khorsandi. (in Persian).

34. Wikifeqh. (n.d.). Retrieved from: <https://B2n.ir/kx7497>. (in Persian).